

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
			تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

پیام‌های آموزنده‌ی اختلاف در رؤیت ماه شوال

نکته‌ای که به آن اشاره می‌کنم و سال‌های قبل هم مصداق پیدا کرده بود و اشاره کرده بودم، اختلاف تشخیصی است که در روز عید فطر بین مراجعِ عظام پیش می‌آید. برخی از افراد، ناراحت می‌شوند؛ آزرده خاطر و دل‌شکسته می‌شوند که یک ماه روزه گرفتیم به عشق این‌که در پایان ماه، با دل جمع و شاد، مطمئن باشیم که روز عید فطر فرا رسیده است؛ اما در عمل، تشخیص مراجع با هم تفاوت پیدا می‌کند. کما این‌که امسال هم همین اتفاق افتاد. برخی از مراجع، روز یکشنبه و برخی دیگر از مراجع، روز دوشنبه را عید دانستند. من به آن عزیزان نکته‌ی را عرض کرده و می‌کنم؛ و آن این‌که شاید خود تفاوت در تشخیص عید پیامی داشته باشد. به آن بیندیشیم. با همین اختلافی که در تشخیص پیش می‌آید، شاید خدا می‌خواهد ما را به جای خالی حُجَّت و ولیِّ اعظم خدا، متوجه کند. بدانیم همه‌چیز فراهم نیست. صورت ظاهر، یک ماه، شب‌ها را به عبادت، سحرها را به مناجات و روزها را هم با روزه پشت سر گذاشتیم؛ اما بدانیم همه چیز تمام نیست. تا حُجَّت خدا نیاید، طاعات و عبادات ما و تدبیرها و تلاش‌های ما به نتیجه و میوه‌ی راستین و مطلوب منتهی نخواهد شد و گره از کار بسته‌ی ما نخواهد گشود.

تا نیایی گره از کار بشر و نشود درد ما جز به ظهور تو مُداوا نشود

و این خود، پیام بسیار بزرگی است. باید بدانیم تا عبادات و سلوک عارفانه‌ی ما مُلحق به حُجَّت خدا نشود، تلاشی است که به نتیجه منتج نخواهد شد. عاجزانه از خدای متعال بخواهیم که دوران غیبت آن بزرگوار را به انتها برساند. گناهان و غفلت‌های ما را که سبب غیبت آن بزرگوار شده است، با کرم

و فضل خود ببخشاید و موانع ظهور آن حضرت را برطرف بفرماید؛ و توفیق زندگی در دوران ظهور آن حضرت را به ما بدهد تا طعم شیرین عید فطر را در محضر آن بزرگوار بچشیم. گمان نکنیم مراجع تقلید با همه‌ی عظمت شأنشان، یا حکومت و دولت اسلامی با همه‌ی جایگاه و منزلتش، می‌تواند همه چیز را برای ما تأمین کند. خیر؛ در دوران اضطرار، ناچار انسان به «اَكْلِ مَيْتِه» مجبور است. اما نباید پنداشت آن مُرداری که انسان در شرایط اضطرار، ناگزیر است به اندازه‌یی که جان‌ش نجات پیدا کند، از آن بخورد، جایگزین طعام حلال و گوارا می‌شود. رجوع به مراجع، و اِتكای به دولت در دوران غیبت، همه «اَكْلِ مَيْتِه» است؛ پناه بردن به چیزهای نسبی، در شرایط اضطرار است. آن‌چه اصل است؛ آن‌چه حق است، زندگی در محضر امام معصوم ارواح‌نفاذ است. و در همین اختلافی که در مورد عید پیش می‌آید، انسان با همه‌ی وجود، جای خالی حضرت را لمس می‌کند؛ و آرزو می‌کند که ای کاش حضرت بودند و روز عید را اعلام می‌فرمودند تا همه یک‌پارچه عید می‌گرفتند. به نظر من این پیام اصلی است. درس دیگری که سالک الی الله شاید بتواند از این وضعیّت بگیرد این است که سالک الی الله از ابتدای ماه رجب مشغول مراقبات رجبیه و شعبانیّه بوده است و ماه رمضان را هم با تلاش و کوشش خود به پایان برده است؛ لذا ممکن است در این شرایط نوعی دل‌بستگی به تلاش خود، امید بستن به ثمرات تلاش خود، که خود بویی از عَجْبُ به عبادت می‌دهد، در او پدید آید. ولی با این واقعه، یعنی بروز اختلاف در مورد روز عید، یک‌باره شخص یخ می‌کند؛ می‌گوید سه ماه تلاش کردم؛ ببین عیدم چه‌گونه شد؟ شاید از این طریق خدا می‌خواهد او را از عَجْبِ گرم عمل خود بودن و دل‌گرم به عمل خود بودن، نجات بدهد و بگوید نه عزیز من، تلاش تو به جایی نرسید. کما این‌که در دعا‌های شب و روز عید فطر هم این تعبیر وجود دارد؛ از قبیل این‌که: خدایا دارم برای نماز عید می‌آیم؛ اما نه مُتَکِی به عمل صالحی هستم؛ نه دل بسته‌ی به عبادتی هستم؛ با دست خالی دارم می‌آیم. این نکته‌ی مهمّی است که انسان علی‌رغم همه‌ی مجاهدت‌ها و طاعات و عباداتش، خود را دست خالی ببیند؛ گرمای تلاش و عمل، او را دل‌گرم به نتایج عملش نکند؛ امیدش به خدا و فضل الهی باشد، نه به تلاش و عبادات و طاعات خودش. کما این‌که دعا‌های دهه‌ی آخر ماه رمضان بوی همین حرف‌ها را می‌داد.

همه‌اش اعتراف به عجز و نقص و کاستی است: «اللَّهُمَّ اذِّعْنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ اغْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَنَا فِيهِ وَ تَسَلُّمَهُ مِنَّا مَقْبُولاً وَ لَا تُؤَاخِذْنَا بِاسْرَافِنَا عَلَيَّ اَنْفُسِنَا وَ اجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَحْرُومِينَ»^۱ و امثال این‌گونه تعابیر که در دعاهای دهه‌ی آخر و خصوصاً دعاهای شب عید فطر و روز عید فطر، کراراً بیان و مطرح شده است.

گرچه امید داریم بتوانیم در محضر ولیّ اعظم خدا، عید را با اطمینان جشن بگیریم؛ اما در شرایط غیبت، شاید این اختلاف رأی در مورد روز عید، برای ما این آموزندگی را هم داشته باشد که گرچه تا می‌توانیم تلاش کنیم؛ اما به عمل و تلاش‌های خودمان دل نبندیم.

گرچه وصالش نه به کوشش دهند آن قدر ای جان که توانی بکوش

تا می‌توانی تلاش کن؛ کوشش کن. اما بدان که وصال او را با کوشش تو نمی‌دهند. کوشش تو راه به جایی نمی‌برد. هنگامی که پس از انجام همه‌ی کوشش‌ها، به یقین رسیدی که کوشش تو راه به جایی نبرد؛ از حجاب فاعلیت خود بیرون می‌آیی؛ و آن‌گاه فاعلیت حق، همه‌ی حقایق را متحقق می‌کند و به ظهور و وصال نایل خواهی شد. شاید این هم درسی باشد که می‌توان گرفت.

عید فطر، هر یک از روزهای یک‌شنبه یا دوشنبه که بود، گذشت و باید یک سال دیگر چشم به راه باشیم تا ماه مبارک رمضان فرا برسد. ماهی که بسیار دل‌نشین و دوست‌داشتنی بود. آه جان‌سوز امام سجاد علیه‌السلام در دعای وداع ماه مبارک رمضان را دیده‌اید؛ وقتی انسان جملات آن دعا را می‌خواند، خیلی او را می‌گدازد. امیدواریم خدای متعال توفیق دهد، بتوانیم بار دیگر ماه مبارک رمضان را درک کنیم. و در ماه مبارک رمضان آتی، ما را موفق بدارد از این قصور و تقصیرها، اسراف بر نفس‌ها، مبراً باشیم و بتوانیم شایسته‌تر، از آن ماه رمضان بهره بگیریم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^۱ محدث قمی، مفاتیح الجنان، اعمال شب‌های دهه‌ی آخر ماه رمضان.